

خشونت خانگی و زنان مهاجر

عکس: Bigstock.com/hikrcn

محسن فرشیدی

حداقل پنجاه درصد از جمعیت مهاجرین جهان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان نیز مانند مردان به دلیل نقض حقوق بشر از جمله بیکاری، فقر، گرسنگی، جنگ، شکنجه، فقدان آموزش، مراقبت‌های پزشکی، عوامل ناشی از تخریب محیط زیست و غیره تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

اما دلایل مهاجرت زنان در بسیاری مواقع به همین موضوعات ختم نمی‌شود و مواردی از جمله سنگسار، تجاوز، مثله جنسی (ختنه)، اجبار به رابطه جنسی، سقط جنین اجباری یا جلوگیری از آن، ازدواج اجباری و مواردی از این دست نیز از دلایل دیگر مهاجرت زنان است.

هر چند برای عموم مردان مهاجرت برای تغییر شرایط زندگی و آینده بهتر صورت می‌گیرد، برای بسیاری از زنان صرفاً خروج از وضعیت موجود دلیل اصلی مهاجرت است.

خشونت، یکی از دلایل اصلی مهاجرت

یکی از دلایل مهم مهاجرت زنان خشونت است. خشونت به شکل‌های مختلف زنان را مجبور به ترک خانه، اجتماع و کشور می‌کند.

خشونت در اجتماع می‌تواند آزار و اذیت خیابانی باشد و یا در وسعتی بزرگ و فراگیرتر در جنگ نمود پیدا کند. در بسیاری از جنگ‌های معاصر خشونت و تجاوز علیه زنان به عنوان یکی از روش‌های سیستماتیک تحقیر و شکنجه بوسیله نیروهای نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. خشونت در خانه نیز به شکل‌های مختلف از جمله خشونت‌های اقتصادی، جسمی، روحی و روانی صورت می‌گیرد.

میزان خشونت خانگی برای زنان در برخی مواقع تا اندازه‌ای زیاد می‌شود که گزینه دیگری جز مهاجرت برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد.

اما در بسیاری مواقع، با مهاجرت نیز این خشونت‌ها پایان نمی‌پذیرد. بسیاری از زنان از نقطه آغاز مهاجرت، در طول مسیر و زمانی که به مقصد می‌رسند با شکل‌های جدیدی از خشونت روبرو می‌شوند.

مهاجرت پایان خشونت نیست

زنان پناهجو وقتی به کشور مقصد می‌رسند اغلب آسیب دیده‌اند. اگر برای بسیاری رسیدن به مقصد، نقطه آغاز زندگی تازه باشد، برای بخشی از زنان ترمیم خشونت‌های گذشته گاه سال‌ها به درازا می‌کشد و بعد از مدت زمانی طولانی فرد می‌تواند زندگی جدید خود را از نو بسازد.

زنان چه در کمپ‌های پناهنجویی باشند، چه به شکلی مستقل و یا تحت عنوان ازدواج زندگی جدیدی را در خارج از کشور آغاز کنند باز هم در معرض انواع خشونت‌ها قرار دارند. خشونت خانگی در میان زنانی که مهاجرت کرده‌اند در بسیاری مواقع پیچیده‌تر و دردناک‌تر از زمانی است که در کشور خود حضور داشته‌اند.

وابستگی بیشتر، خشونت بیشتر

در کشورهای توسعه یافته که یکی از مقاصد اصلی مهاجران هستند، زنان مهاجر در قیاس با زنان جامعه میزبان بیشتر در معرض خشونت خانگی قرار دارند. نسرین افضلی کارشناس ارشد مطالعات زنان دلیل این موضوع را همراه بودن زنان در کنار مردان مهاجر از کشورهای در حال توسعه می‌داند.

وی معتقد است با توجه به اینکه در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نظام‌های مردسالار برقرار است و زنان وضعیت پایین‌تری از نظر اجتماعی و اقتصادی دارند، با مهاجرت نیز این فرهنگ و رسوم به همراه افراد مهاجرت می‌کنند.

اضافه بر آن زنان در کشورهای جدید محدود ابزارهای حمایتی خود مثل خانواده و نزدیکان را نیز از دست می‌دهند و سال‌ها زمان نیاز است تا جایگزینی برای آن‌ها پیدا کنند.

عموم زنان در سال‌های اول مهاجرت از قوانین، حقوق و مزایای کشور جدید بی‌خبرند و مجموعه این عوامل، وابستگی زن به مرد را بیشتر از گذشته می‌کند و این وابستگی به دلیل عدم سرمایه‌های اجتماعی، احساس بی‌پناهی در زنان مهاجر را تقویت می‌کند. در چنین شرایطی مردان آزارگر راحت‌تر و بیشتر می‌توانند زن را مورد انواع خشونت خانگی قرار دهند.

تکرار نمی‌شود!

خشونت خانگی چه در میان زنان یک کشور، یا زنان مهاجر، به دلیل پیچیدگی‌های زیادی که دارد یکی از موضوعات مداوم گفتگو میان جامعه‌شناسان و فعالین حوزه زنان است.

نسرین افضلی در مقابل این پرسش که چرا زنان مهاجر که مورد خشونت قرار می‌گیرند همچنان در یک رابطه باقی می‌مانند می‌گوید؛ جایگاه اجتماعی زنان در چنین خانواده‌هایی پایین‌تر از مردان تعریف شده است.

به همین دلیل زن احساس می‌کند به مرد آزارگر وابسته است. همچنین مرد آزارگر معمولاً با جملاتی مثل "پشیمان هستم" و "یا" این آخرین بار است و تکرار نمی‌شود "سعی در راضی کردن زن را دارد و در واقع این چرخه خشونت هر بار با بهانه‌هایی از این دست و ابراز پشیمانی ادامه پیدا می‌کند. زنان خشونت دیده مورد حمایت‌های خانوادگی قرار نمی‌گیرند. ترس از انگ‌های اجتماعی در جوامع مردسالار نیز باعث می‌شود بسیاری از این خشونت‌ها علنی نشوند. نبود نهادهای حمایتی یا ناکارابودن آن‌ها و عدم اطلاع کافی زنان از وجود چنین نهادهایی نیز یکی از دلایل بیشتر ماندن آن‌ها در یک رابطه‌ی همراه با خشونت است.

خشونت خانگی، امری خصوصی یا اجتماعی؟

خشونت خانگی به دلیل اینکه در خانه به وقوع می‌پیوندد و اغلب شاهدهی بر آن وجود ندارد و همچنین میان نزدیک‌ترین افراد به هم مثل زن و شوهر صورت می‌گیرد یکی از پیچیده‌ترین انواع خشونت است.

در سال‌های گذشته و با در نظر گرفتن پرونده‌های زیادی که در دادگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده‌اند که به قوانینی کاملاً متفاوت و مخصوص برای خشونت خانگی نیاز دارند و قوانین فعلی و عمومی کفایت نمی‌کنند.

نسرین افضلی معتقد است قوانین رایج دیگر جوابگوی این نوع خشونت نیست. این پژوهشگر مسائل زنان ادامه می‌دهد: اغلب زنان به دلیل ساختارها و فرهنگ مردسالار تمایلی برای گزارش خشونت به پلیس را ندارند و فرد خشونت دیده حتی بعد از رسیدگی حقوقی فرصت و امکان جدا شدن از آزارگر را به سادگی پیدا نمی‌کند. کشورهای پیشرفته بعد از سال‌ها بررسی و تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت خانگی امری صرفاً شخصی و خصوصی نیست.

خشونی که در خانه صورت می‌گیرد ارتباط مستقیمی با اجتماع نیز دارد.

وی معتقد است که فرزندان تحت تاثیر مستقیم مشاهده خشونت‌ها قرار می‌گیرند و اضافه بر آن کارایی زنان مورد خشونت دیده در اجتماع به دلیل افسردگی و مشکلاتی از این دست نیز پایین می‌آید. همچنین امکان خشونت‌های شدیدتر و قتل‌های خانوادگی در ادامه یک رابطه همراه با خشونت وجود دارد و چنین مواردی امروزه موضوعاتی اجتماعی تعریف می‌شوند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سال به سال و با پیشرفت قوانین به تعداد کشورهایی که خشونت خانگی را امری خصوصی تلقی نکنند افزوده شود.

خشونت باید علنی شود

در ماه‌های گذشته و در شبکه‌های اجتماعی بحث‌هایی پیرامون خشونت مردان کنشگر و روشنفکری که پایگاه اجتماعی بالایی دارند و مخاطبان زیادی آن‌ها را دنبال می‌کنند بوجود آمده است. اغلب این مردان در سال‌های گذشته و به دلایل سیاسی مهاجرت کرده‌اند.

نسرین افضلی می‌گوید افراد مشهور در هر کجای دنیا دارای محبوبیت و پایگاه اجتماعی بالایی هستند و افکار عمومی به شکل پیش‌فرض آن‌ها را در موضوع خشونت خانگی مقصر نمی‌دانند.

زمانی که این خشونت‌ها در یک اجتماع سنتی و محافظه کار صورت بگیرد برای زنان مشکلات مضاعفی را ایجاد می‌کند که علنی کردن آن‌ها برایشان تبعات زیادی در پی خواهد داشت. اما در ماه‌های گذشته بوده‌اند زنانی که بدون در نظر گرفتن این موضوع، خشونت خانگی شریک زندگی خود را علنی کرده‌اند.

این پژوهشگر مسائل زنان معتقد است همواره به یک نفر اولی نیاز است و بعد از علنی کردن موضوع، تعداد افراد بیشتری نیز از خشونت

خواهند گفت.

واقعیت این است که خشونت خانگی در هر خانه‌ای امکان دارد اتفاق بی‌افتد. برای اینکه آزارگران خشونت را امری خصوصی ندانند، علنی کردن خشونت‌ها میان خانواده و دوستان می‌تواند محیط امن خشونت‌گران که همان خانه است را ناامن کرده و به مرور میزان آن را کاهش دهد.

راهکارهای کاهش خشونت خانگی

محیط‌های آموزشی و رسانه‌ها از مهمترین عوامل تاثیرگذار در پایان بخشیدن به خشونت خانگی هستند. نسرین افضلی کارشناس ارشد مطالعات زنان بر نقش رسانه‌ها تاکید دارد.

او می‌گوید تلویزیون، فیلم‌ها، تبلیغات و دیگر تولیدات رسانه‌ای نقش بسیار پررنگی در زدودن کلیشه‌های جنسیتی و در پی آن کاستن خشونت‌ها می‌توانند داشته باشند.

تصویری که رسانه‌ها از زن نشان می‌دهند او را از انسانیت تهی می‌کند و زنان به یک موجود جنسی که برای لذت مردان آفریده شده تبدیل می‌کند.

این تولیدات باعث کاستن استعدادهای، عدم اعتماد به نفس و ظرفیت‌های انسانی زنان می‌شود و چنین رویکردی زمینه را برای خشونت علیه زنان تشدید می‌کند. اضافه بر آن انسان‌ها از همان سن کودکی و در محیط‌های آموزشی بسیاری از آموزه‌ها را فرا می‌گیرند. لزوم بازبینی کتب درسی، تغییرات در نظام آموزشی و رسانه‌ها و حمایت از زنان خشونت دیده می‌تواند به مرور زمان اعتماد به نفس را به زنان بازگردانده و در نهایت به کاهش خشونت‌ها منجر شوند.

نقش خانه‌های امن

خانه‌های امن معمولاً به مکان‌های گفته می‌شود که به زنان خشونت دیده کمک و جای امنی را برای زندگی موقت آن‌ها ایجاد می‌کند.

به دلایل امنیتی آدرس این خانه‌ها معمولاً عمومی نیست. دولت‌ها و نهادهای غیرانتفاعی و مدنی در ایجاد چنین خانه‌هایی نقش دارند و سعی می‌شود با مشاوره به زنان، آن‌ها را به اجتماع و یک زندگی جدید بازگردانند. نسرین افضلی معتقد است تعداد زیادی از زنان مورد خشونت قرار گرفته دارای فرزند هستند.

تسهیلاتی مثل خانه امن که در اختیار زنان مهاجر قرار می‌گیرد کمتر به این موضوع توجه لازم را دارند، زیرا در این خانه‌ها یا فرزند را پذیرش نمی‌کنند یا برای کودکان امکانات بسیار محدودی دارند.

برای مادران خشونت دیده بسیار اهمیت دارد که فرزندانشان بتوانند به مدرسه بروند و در یک محیط طبیعی و اجتماعی و در کنار همسالان و دوستان خود رشد پیدا کنند.

عموماً قوانین چنین خانه‌هایی سختگیرانه است و رفت و آمد در آن‌ها کنترل می‌شود و این عوامل باعث دور شدن فرزندان از اجتماع می‌شود و همین موضوع یکی از دلایلی است که زنان خشونت دیده و به خصوص مادران کمتر به این سازمان‌های حمایتی مراجعه کنند.

در انتها باید تاکید کرد اکثر زنان خشونت دیده چه در کشور خود باشند یا مهاجر، به مرور زمان اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند، در صورتی که در لحظه آغاز یک رابطه، این زنان دارای اعتماد به نفس بالایی بوده‌اند.

رفتارهای خشونت‌آمیز شخصیت یک زن را لگدمال می‌کند و باعث مشکلات فراوانی از جمله اضطراب و افسردگی برای او می‌شود.

این عدم اعتماد به نفس و وابستگی با آزارگر نیز یکی از دلایل مهمی است که زنان خشونت دیده در یک رابطه باقی می‌مانند و چرخه خشونت تکرار می‌شود.

نسرین افضلی تاکید می‌کند؛ نقش اصلی خانه‌های امن و یا سازمان‌های حمایتی باید توانمند کردن زنان باشد و برای آن‌ها فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کند. مشاوره‌های تخصصی، درازمدت و رایگان می‌توانند اعتماد به نفس را به زنان بازگردانده و مسیر یک زندگی طبیعی و به دور از خشونت را برای آن‌ها هموار کند.